

شناسایی ویژگیهای مهم دانشگاههای هزاره سوم به منظور ارایه چارچوبی مناسب برای

دانشگاههای ایران در راستای حرکت از دانشگاههای سنتی به دانشگاههای نوین

دکتر بدری شاه طالبی (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان - اصفهان)

چکیده

با توجه به نقش بسیار مهم دانشگاهها در عصر رسانه ها و شکل گیری جامعه اطلاعاتی و با توجه به پدیده جهانی شدن و نفوذ بازار بی کنترل فرهنگ غرب که موجب گردیده بسیاری از ضد ارزشها به صورت ارزش و مشروع جلوه کرده و جامعه دانشگاهی را در معرض آسیب و تهدید قرار دهد، پژوهش حاضر با هدف ارائه چارچوبی به منظور نهادینه کردن مؤلفه های دانشگاه هزاره سوم در دانشگاههای ایران به روش توصیفی - پیمایشی انجام شده است. برای تحقق هدف کلی ابتدا تعداد 83 بعد و مؤلفه از طریق مطالعه منابع مربوط شناسایی شد و چارچوب پیشنهادی مطابق با مؤلفه های تنظیم شده در دو قسمت اهداف و فلسفه چارچوب و چارچوب ادراکی شکل گرفت.

جامعه آماری این پژوهش را اعضای هیئت علمی تمام وقت دانشگاههای اصفهان، صنعتی اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی تشکیل داده اند. به منظور تعیین چارچوب نهایی پرسشنامه بر روی یک نمونه آماری متشکل از 200 نفر از افراد جامعه آماری اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس) و آمار استنباطی (تحلیل عاملی) استفاده گردید. اهم یافته های این پژوهش از این قرار است: 1- تدوین مهمترین مؤلفه ها و ویژگیهای دانشگاه هزاره سوم 2- تدوین چارچوب مناسب برای دانشگاههای ایران و تعیین روایی سازه مؤلفه ها از طریق تحلیل عاملی. به این ترتیب بخش فلسفه و اهداف چارچوب با روایی سازه بالا تایید گردید، اما در بخش چهارچوب ادراکی ترکیب مؤلفه های اصلی تغییر یافت و 83 زیر مؤلفه که در چارچوب پیشنهادی ذیل شش مؤلفه اصلی قرار گرفته بود در 14 عامل توزیع گردید و به این ترتیب چارچوب نهایی به دست آمد.

کلید واژه ها: دانشگاه هزاره سوم، دانشگاه ایرانی، چهارچوب ادراکی

مقدمه

عوامل و نیروهای دگرگون ساز هزاره سوم نظیر فن آوری ارتباطات و اطلاعات، جهانی شدن، عصر دیجیتال، ظهور سرمایه های فکری و هوشی به عنوان مهم ترین سرمایه عصر حاضر، تغییرات شتابان در عرصه های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سرعت نوآوری ها، انعطاف پذیری و..... جوامع و سازمانها و موسسات تشکیل دهنده آن را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. بدیهی است رمز عبور و

شرط بقا در این هزاره و راه دسترسی به ایده ها و اندیشه های مولد تنها از طریق آموزش مناسب یادگیری مادام العمر و مدیریت موثر دارایی های دانشی امکان پذیر می باشد. (زیون، 2005، ص 62)

مسائلی چون ظهور تفکرات مدرن، مدیریت دانش محور، پیشتازی در فعالیت ها، توسعه فضای رقابتی دسترسی سریع و آسان به منابع آموزشی بدون محدودیت زمانی و مکانی، تغییر چرخه نیم عمر اطلاعات، یادگیری سازمانی و سازمان یاد گیرنده و... این ضرورت را اجتناب ناپذیر نموده است که باید دیدگاههای سنتی به آموزش عالی متحول گردیده و ساختارهای سنتی و قدیمی و ناکارآمد تغییر یابند. (مرکز توسعه آموزش عالی، 2006)

آن چه مسلم است آن است که در قرن بیست و یکم ارتباطات و اطلاعات محور تحولات قرن آینده را رقم خواهد زد و استفاده از واژه هایی هم چون دهکده جهانی و عصر انفجار اطلاعات و... برای توصیف قرن آینده متأثر از همین اندیشه هاست. اگر چه هنوز ابهاماتی در چگونگی شکل گیری جوامع در ده های اخیر وجود دارد، اما به نظر می رسد که در اصل این که جهان آینده جهانی متفاوت از گذشته خواهد بود و اطلاعات مبنای دگرگونی می باشد، اجماع و توافق همگانی وجود دارد. (واتس 1996، ص 6)

در پاسخ به مسائلی که جهان آینده با آن مواجه است، آموزش و تعلیم و تربیت سرمایه ای ضروری برای واقعیت بخشیدن به آرمانهایی چون عدالت، صلح، برابری، دسترسی یکسان و... تلقی می شود. به عبارت دیگر چالشهای موجود آمده در عصر حاضر دانش را به مزیت رقابتی اصلی برای جوامع تبدیل کرده است. جوامعی که قادر باشند به خوبی دانش را شناخته و آن را مدیریت کنند می توانند فرصتهای نابی را برای خویشتن رقم بزنند و درعین حال برای جوامعی که تحولات محیطی را نمی شناسند و یا نمی خواهند بشناسند این امر تهدیدی جدی قلمداد می شود. (مرکز توسعه آموزش عالی، 2006)

در واقع امروز خلق، سازماندهی، تبدیل و به کار بستن دانش کلید موفقیت جوامع محسوب می شود. در این حالت جوامع ضمن این که با استفاده از این ابزار به حل مشکلات تصمیم گیری، برنامه ریزی های استراتژیک، یادگیری پویا و... کمک می کنند از زوال دارایی های ذهنی خویش نیز جلوگیری می نمایند. ارتباطی که بین دانش و مفاهیمی مانند نوآوری، سازمانهای یاد گیرنده، بهره وری، اثربخشی، کارایی و سایر مؤلفه های ارزنده که مؤلفه های کلیدی رقابت و حیات سازمانی محسوب می شوند، وجود دارد اهمیت توجه و استفاده از دانش و مدیریت آن را چند برابر می کند. شواهدی وجود دارد که اگر جوامع و سازمانهای موجود در آن به خوبی از این موقعیت استفاده نمایند دیر یا زود به سمت زوال و نابودی حرکت خواهند کرد. زیرا توانمندی امروز در گرو دارا بودن سرمایه دانش بوده و

به کارگیری مجموعه ظرفیت های ذهنی خلاق است که به طور موثری توسعه و پیشرفت را ممکن می سازد. (باربارا، 2007، ص8)

نتیجه آن که امروز فرایندهای آموزشی و پژوهشی بیشتر از فرایندهای اجرایی و اداری اهمیت دارند. بالطبع آموزش پرورش و آموزش عالی جایگاه فرایندهای آموزشی و پژوهشی است. نکته مهم و قابل توجه آن است که آموزش عالی در حالی پای به هزاره سوم گذارده است که تحولات عمیقی را تجربه نموده و بسیاری از ارکان آن دستخوش تغییر گردیده است. شرایط متحول و متغیر کنونی (از محیط اجتماعی گرفته تا سطح جهانی) به ویژه پس از پدیدار شدن اندیشه و فرایند جهانی شدن، سازمانها از جمله آموزش عالی را در معرض نیازها و انتظارات تازه قرار داده است. بنابر این نظام آموزشی هم چون سایر نظامها و نهادهای جامعه نیاز به باز تعریف رسالت و ماموریت خود دارد تا بر اساس آن اصلاحات یا تغییرات لازم را در سایر ارکان خود معمول دارد. (ابراهام، 2001، ص211)

آنچه تا به حال متخصصان آموزش عالی جهان پیرامون تحلیل چشم انداز دانشگاهها در قرن بیست یکم به دست داده اند بیانگر قطعیت گذر از دانشگاه سنتی و ورود به نظام متمایز از ساختار و محتوای دانشگاهها است. این که دانشگاه آینده چگونه شکل خواهد گرفت و چه کارهایی خواهد داشت بیشتر به قدرت تطابق و برنامه ریزی و رویکرد فرهنگی این جوامع به این نهاد بستگی دارد (ذوالفقاری، 1385، ص29)

بدیهی است جوامع هوشمند زمینه ظهور دانشگاههای هوشمند را فراهم خواهند ساخت تا قادر باشند به نیازهای جهان فرا پیچیده پاسخ دهند. مطالعات نشان می دهد که در حال حاضر دانشگاههای چون Corporate university - Virtual university - Mega University در حال شکل گیری بوده و مباحثی چون مهندسی مجدد، فرا شناخت، متاتئوری، کنترل کیفیت، عدالت آموزشی و... را سر لوحه خود قرار داده اند (جیر، 1998، ص4)

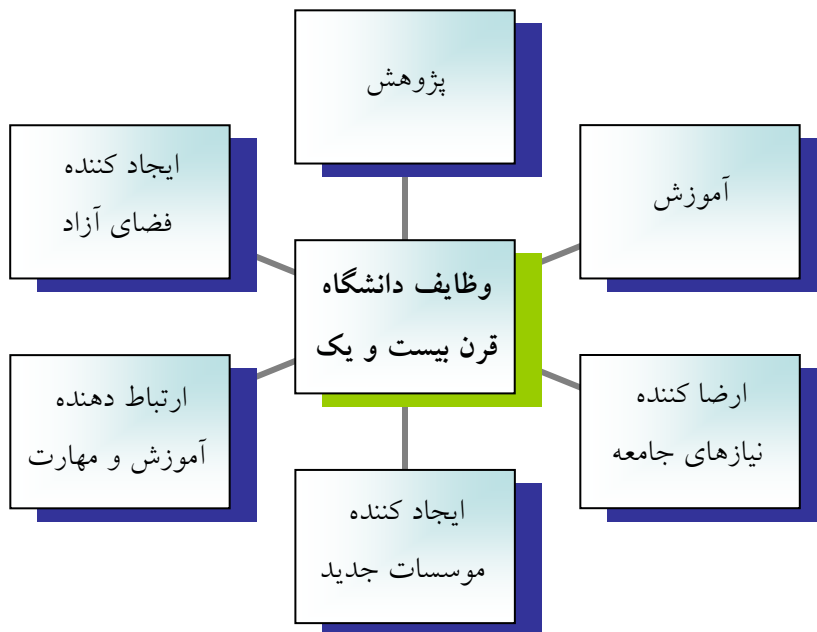
دانشگاهها مانند هر سازمان اجتماعی دیگری دریافته اند که هم راستایی با تغییر و تحولات نیازمند تغییر در کارکرد های درونی و بیرونی خود است و بهره برداری هر چه بیشتر از محیط و تغییرات آن و نیز غلبه بر ضعف ها و پوشش هر چه بیشتر نقاط قوت از جمله واکنشهای موثر در مواجهه با تغییرات قلمداد می شود. بدیهی است رسیدن به این مهم در سایه ویژگیهایی چون آگاهی هیجانی، شناخت هیجانی، هوش عاطفی، مدیریت تحولی، مدیریت بحران، رویکردهای دیفیوژنی یا تسری بخشی، رویکرد اکولوژیکی یا بوم شناختی، رویکرد هویتی و... حاصل شده است. (شاه طالبی، 1387، ص223)

دانشگاههای قرن بیست و یک دریافتند که باید خود را با ویژگیهای سازمان قرن بیست و یک هماهنگ نمایند از جمله آن که

- به سیستمهای باز مبدل شوند، یعنی دائما با محیط خود در تعامل باشند.
- به علت محیط پر تلاطم و غیر قابل کنترل هم راستایی با شرایط متغیر محیطی را فرا گیرند.
- صحت سازمانی خود را بر اساس معیارهای سیستمی ارزیابی نمایند.
- با تاکید بر فن آوری، شرایط بازار، شرایط سیاسی، اقتصادی و جو فرهنگی - اجتماعی در محیط های متفاوت به حیات خویش ادامه دهند.
- به استقبال تغییر بروند.
- ایده را سریعتر به عمل تبدیل کنند.
- از اطلاعات به عنوان یک عامل و منبع مهم سازمانی استفاده کنند.
- نیازمندیهای خود را در قالب دانش جدید، فرهنگ جدید و عقاید جدید ترسیم نمایند. (ایران زاده، 1381، ص 103)

در راستای پاسخگویی به این نیاز بسیاری از دانشگاهها حرکت از سمت و سوی دانشگاه سنتی به دانشگاه هزاره سوم را آغاز کرده اند. دانشگاههای قرن بیست و یکم خواهان آن هستند که در جامعه جهانی نقشی بسیار مهم تر و پررنگ تر از موسسات آموزشی قبل از خود داشته باشند. آنها معتقدند دانشگاه قرن حاضر می تواند از طریق باز کردن درهای خود به سمت و سوی دنیای جدید و استفاده از پتانسیل های بالقوه خود نقشی حساس در جامعه جهانی ایفا کند. (لامبرت، 2007، ص 13)

در هم راستایی با تغییرات و تحولات، بسیاری از دانشگاههای جهان کارکردهای خود را تغییر داده و استراتژی هایی به شکل زیر را ترسیم نموده اند:



آموزش: تربیت افراد ماهری که در تعامل با جامعه خود بوده و نسبت به تمام مسائل مبتلا به جامعه خود حساسیت نشان دهند از طریق آموزشهای به روز و دقیق میسر است. دانشگاه های قرن بیست و یکم در پی آن هستند که از طریق تغییر در شیوه های آموزش سنتی و تاکید بر رویکردهای نوین آموزش چون آموزش مادام العمر و آموزش الکترونیکی به این مهم دسترسی پیدا کنند. بنابراین آموزش های ارائه شده در دانشگاه های قرن حاضر هم از نظر نوع آموزشها و هم از نظر نحوه ارائه آموزش با دانشگاه های گذشته متفاوت خواهد بود.

پژوهش: سهم بودن در جامعه جهانی قرن بیست و یکم از طریق ایجاد چارچوبهای علمی پژوهشی مناسب امکان پذیر است. تغییر در رویکردهای پژوهشی گذشته دانشگاه حاضر را به یک کلاس جهانی یا پژوهشگاه جهانی تبدیل خواهد کرد.

ایجادکننده مؤسسات جدید: در راستای ایجاد مؤسسات جدید با کاربری های جدید، دانشگاه قرن بیست و یکم از طریق آموزش مشاغل جدید با مهارتهای کارآفرینانه سعی در تحقق و ایجاد SME ها یا مؤسسات کوچک و متوسطی دارد که خدمات جدیدی را به جامعه جهانی ارائه می کنند.

ارتباط دهنده مهارت ها و آموزش ها: دانشگاه های کنونی جهان در پی آن هستند که شکاف بین تئوری و عمل را از بین برده، از طریق ایجاد آشتی بین آموزش ها و تخصص ها و کشف راه های مبتکرانه و خلاق از تئوری ها استفاده کرده و بین آموزش و مهارت ارتباط واقعی بوجود آورند.

ارضا کننده نیازهای جامعه: مطالعات انجام شده در مورد نیازهای جامعه آینده حاکی از آن است که جامعه آتی به رشته هایی چون بهداشت محیط، خط مشی گذاری دولتی، تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات و... نیازمند است و دانشگاه یکی از مهم ترین و زیر بنایی ترین جایگاه های تولید کننده رشته ها و تربیت کننده افراد مورد نیاز جامعه در این شاخه هاست.

ایجاد کننده فضای آزاد: به منظور ایجاد فضایی آزاد که در آن عقاید به راحتی بیان شده و مورد نقد و انتقاد گیرند، دانشگاه های قرن بیست و یکم موظف به ارائه آموزشهایی هستند که تعامل مؤثر، روحیه چالشگری، پرسشگری و نقد علمی و... را تقویت کرده، فضایی باز و آزاد بوجود آورند (فالیس، 2004، ص 4)

نتیجه آن که دنیای امروز دوران نواندیشی و آینده نگری است و بیش از این نمی توان در دام گذشته اسیر بود. امروز نقش دانشگاه ها در اغلب کشورهای جهان متحول شده و رسالت دانشگاه به تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر محدود نمی شود بلکه دانشگاه ها امید جوامع محسوب شده و سازنده ترین نقش را در تحول و تغییر جامعه دارا هستند. جامعه یک نظام است و دانشگاه از جمله مؤلفه های آن است، بنابراین نمی تواند و نباید خود را از فرهنگ جامعه دور و بیگانه نگه دارد. دانشگاه مؤلفه پویای جامعه است که در عین تحت تاثیر بودن می تواند و موظف است هدایت آگاهانه و هدفمند آن را بر عهده گیرد. (هاپکینز، 2002، ص 9)

دانشگاه قرن بیست و یکم ناگزیر است فرزند زمان خویشتن باشد. یعنی ناگزیر است گذشته را بخواند، اما در گذشته نماند که توقف در گذشته مترادف مرگ علمی است. دانشگاه قرن بیست و یکم پالایشگاه علم است و اهداف آن عبارتند از:

- 1- تربیت تفکر انتقادی
- 2- ایجاد توانایی خلاقیت
- 3- ایجاد توانایی استدلال منطقی
- 4- ایجاد قدرت تجزیه و تحلیل، سنجش و نقد علمی
- 5- آموزش خود آموزی و خود راهبری
- 6- گسترش میدان معرفت به جای حافظه پروری
- 7- جهانی اندیشیدن و منطقه ای عمل کردن
- 8- تمرکز بر یادگیری بینشی به جای یادگیری مکانیکی
- 9- برخورداری از سعه صبر در برخورد با عقاید مخالف (ماوری، 2001، ص 4)

- دانشگاه قرن بیست و یک هرگز ابعاد رفتار آدمی را جدا و مستقل از یکدیگر نمی داند و همان قدر که می کوشد تا دانشجویان را متخصص نظری و عملی بار آورد، به تربیت عاطفی و اخلاقی و دینی ایشان نیز می پردازد و سعی می کند آموزه های پست مدرن را در ابعاد زیر مد نظر قرار دهد:
- 1- زبان و گفتگو: دانشگاه قرن بیست و یک رایج ترین وسیله ارتباط یعنی زبان را به دو صورت شفاهی و مکتوب در سازمان به کار برده و آن را وسیله ای برای گفتگو و حل مسایل سازمانی می داند.
 - 2- خود گردانی: منظور از خود گردانی توانایی انتخاب هدف های اختصاصی بدون مراجعه به دیگری است. (کوهن، 1999) تشکیل تیم های خود گردان از ویژگی های بارز مدیریت پست مدرن است.
 - 3- احترام و توجه به دیگری: منظور از دیگری شامل سایر افراد و دیگر فرهنگ ها است.
 - 4- خود آفرینندگی و خلاقیت: منظور از خود آفرینندگی اهتمام فرد در به کار گیری توانایی های شخصی برای آفرینش خود از طریق آفریدن چیزهای تازه است. هنری ژيرو اشاره می کند که در تعلیم و تربیت پست مدرن دانشگاه ها نباید پشت سر جامعه گام بردارند. بلکه باید با شجاعتی اخلاقی دست به نقد بزنند تا امکانات لازم برای عملی تحول آفرین را افزایش دهند. بنابراین به نظر می رسد برای داشتن مربی خود آفریننده (بال، 1996، ص 18) فراهم کردن زمینه های خلاقیت و وظیفه اصلی رهبر تلقی می شود. به این منظور رهبر آموزشی در عصر سازمان های یاد گیرنده باید نقش مکانیکی خود را به مدیریتی ارگانیک تغییر دهد. (الیوت و رینولد، 2001)
 - 5- تکثر فرهنگی: منظور از تکثر فرهنگی ایجاد فضایی است که در آن، بین فرهنگ ها و خرده فرهنگ های مختلف احترام متقابل وجود داشته باشد. گروه های مختلف از آزادی عمل برخوردار بوده و همه گروه ها حق رای داشته باشند.
 - 6- تساهل: از ویژگی های رهبران دانشگاهی قرن بیست و یک آن است که با دیگران با مسامحه برخورد می کنند و دیگران هم با رفتار متقابل زمینه شکل گیری چنین فردی را فراهم می کنند. (به نقل از آهنچیان، 1381)
 - 7- مرکز زدایی: یکی از ویژگی های بارز مدیریت پست مدرن که مورد اتفاق اکثر صاحب نظران است مرکز زدایی یا چند مرکزی شدن شکل ها و سازمان هاست. (اینگ هولم، 2001)

8- نقش مؤثر فن آوری اطلاعات در شکل دهی روابط انسانی: آنچه از پست مدرن در جوامع پست مدرن با راحتی قابل رؤیت و اندازه گیری است نقش شبکه های اطلاع رسانی الکترونیک همچون اینترنت است (لیوتار، 1381) به این ترتیب با استفاده از فن آوری ارتباطات و اطلاعات به راحتی امکان تجدید نظر و طراحی مدل جدیدی از روابط انسانی مجازی و واقعی در دل سازمان بوجود می آید که مشابه آنها در دیگر سازمان ها دیده نمی شود.

9- اهیت روابط انسانی: در عصر پست مدرن روابط را نمی توان از فن آوری ارتباطات و اطلاعات جدا دانست. رابطه های انسانی این عصر بدون هیچ گونه حد و مرزی تصور می شوند. از این رو این فقط نظریه پردازان نیستند که موجب پیشرفت و توسعه می شوند، بلکه همه انسان ها در پیشرفت سهیم هستند. (چانگیو، 2001، ص 3)

10- مشارکت: در شرایط پست مدرن مشارکت گسترده تر و عمیق تر از گذشته است. در اینجا اصل سهامداری از اصول جامعه مدنی است. (همه افراد و گروهها در جامعه مدنی سهم دارند).

11- مرز شکنی: جرأت فرو ریختن مرزها از ارزشمندترین و در عین حال از مخاطره پذیرترین آموزه های دانشگاه پست مدرن است.

12- فراغت از تحلیل هزینه- فایده: پست مدرن با جهت گرفتن آموزش از اقتصاد مخالفت ورزیده و بیشتر به سرمایه گذاری عمومی در آموزش معتقد است تا سرمایه گذاری خصوصی و شخصی (مارجینسون، 2007، ص 6)

دانشگاه های ایران و لزوم تغییر سبک های رهبری

دانشگاه های ایرانی در مقایسه با دانشگاه های سراسر جهان دارای اشتراکات، تفاوت ها و آسیب های اختصاصی و مشترکی هستند که توجه به آنها لزوم تغییر آنها را بیش از پیش مشخص می سازد در این قسمت صرفه نظر از اشتراکات و تفاوت هایی که دانشگاه های ایران در مقایسه با سایر دانشگاه های جهان دارند به طور اختصار به آسیب شناسی دانشگاه در ایران می پردازیم :

1- دانشگاه ما بیش از آن که تولیدکننده دانش باشد، مصرف کننده آن است و اگر نوآوری و بداعتی نیز دیده می شود، بیشتر نوآوری اشاعه ای است، نه تولیدی.

- 2- دانشگاه با زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران، به ویژه در حیطه علوم انسانی بیگانه است.
- 3- دانشگاه تنها به وجوه سخت افزاری علم توجه کرده و وجوه نرم افزاری آن را از یاد برده است.
- 4- بین دانش نظری و دانش عملی در دانشگاه‌های امروز ایرانی ارتباطی وجود ندارد و این در حالی است که نمی‌توان دانش نظری را بی‌ارتباط با دانش عملی رشد داد.
- 5- دانشگاه با ساختار شغلی جامعه سازگار نیست.
- 6- دانشگاه با نیازهای رو به رشد جامعه در ابعاد گوناگون سازگار نیست.
- 7- در اداره دانشگاه حاکمیت تمرکزگرایی وجود دارد. دانشگاه‌ها آزادی عمل ندارند. تمرکزگرایی با سلسله مراتب قدرت، متفاوت است. سلسله‌مراتب قدرت را می‌پذیریم، اما اگر سلسله‌مراتب قدرت با یک تمرکز و تراکم مکانی - جغرافیایی عجین شد، این پدیده را تمرکزگرایی می‌نامیم.
- 8- جایگاه نه‌چندان مطلوب استادان در نظام رتبه‌بندی اجتماعی، بویژه سلسله‌مراتب اقتصادی جامعه آسیب دیگری است که دانشگاه‌ها از آن رنج می‌برند.
- 9- به منظور تعیین جایگاه و اهداف دانشگاه تئوری مناسبی وجود ندارد.
- 10- تفوق علم‌شناسی فلسفی اثبات‌گرا و رویکرد برون‌گرا در جامعه‌شناسی علم ویا به عبارتی، حاکمیت نوعی «علم‌گرایی» و غفلت از فرهنگی بودن معرفت علمی، آسیب دیگر دانشگاه است.
- 11- بی‌توجهی به مبانی متافیزیکی علم که نقش مفروضات و بدیهیات اولیه را برای علم‌گرایی ایفا می‌کند و با تغییر آن کل پیکره علم، می‌تواند دستخوش تغییر قرار گیرد.
- 12- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت‌های علم است. در دایره‌المعارف بریتانیکا در ذیل «فلسفه تعلیم و تعلم» آمده است که یک جامعه مسیحی، جهت علم خود را از مسیحیت می‌گیرد. خواه‌ناخواه این نکته بایستی بر توجه به اسلام در تعیین غایات علم، سایه بیفکند.
- 13- غفلت از نقش ویژه محقق و انگیزه‌ها و نظام هنجاری او در تحقیقات علمی.
- 14- غفلت از آینده‌نگری و آینده پژوهی

15- عدم توفیق در جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ و هویت تاریخی به دانشجو. ایرانیان هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی‌شناسند. یکی از کارویژه‌های دانشگاه در بعد جامعه، این است که انتقال‌دهنده فرهنگ از نسل گذشته به نسل بعدی باشد. تا چه اندازه، شاهد ایفای این نقش مهم و کارکرد اساسی هستیم. دانشگاهی که خود در معرض گسست سنت و مدرنیته است، چگونه می‌تواند انتقال‌دهنده فرهنگ گذشته باشد؟ در جهت انتقال فرهنگ گذشته به نسل جوان، حوزه توفیق بیشتری داشته است، اما در جهت توجه به مبانی متافیزیکی الهی و جهت دینی علم، حوزه و دانشگاه تا کنون چیزی ارائه نکرده اند.

16- فقدان استقلال در فکر و اندیشه که به گونه‌ای در مصرف‌گرا بودن دانشگاه متجلی است.

17- تولید و بازتولید بی‌قاعدگی یا آنومی در جامعه به دلیل فاصله‌گیری از ارزش‌های فرهنگی. به علت سست شدن نظم هنجاری سنتی و عدم جایگزینی نظم هنجاری جدید. در چنین حالتی، فرار مغزها حداقل هزینه‌ای است که جامعه متحمل می‌شود. انواع و اقسام کجروی‌های اجتماعی نیز از این مقوله اند. علت آن است که دانشگاه فرهنگ و هویت تاریخی را به نسل بعدی انتقال نمی‌دهد و حتی فرهنگ بیگانه با گذشته را ترویج می‌کند بنابر این باید منتظر، چنین عواقبی هم باشد.

18- تفوق تدریجی عقلانیت تقلیدی و نیم‌بند و بدون توجه به مبانی معرفتی مشابه عقلانیت در غرب.

19- عدم نقادی سنت و نداشتن طرحی برای نوآوری علمی متناسب با پوسته و لایه‌ای از سنت.

20- خط و ربط گرفتن از گروه‌های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها.

21- دانشجو محور شدن در برخی از مسایل اندیشه‌ای

22- فقدان رابطه مناسب با نهاد های آموزشی دیگر، از جمله حوزه علمیه. دانشگاه حساب خود را در غرب با کلیسا معلوم کرده و از دل آن بیرون آمده است؛ اما وحدت حوزه و دانشگاه در ایران هنوز از تئوری مشخصی پیروی نمی‌کند.

23- وجود خط قرمزهای سیاسی و صنفی مخمل علم و تحقیق.

24- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه و کثرت سرقت‌های علمی در انواع و اقسام آن.

25- نا آگاهی از نظامهای ارزشی متفاوت: فقدان اطلاع از نظامهای ارزشی و عقیدتی از جمله موانع اصلی در ایجاد ارتباطات است. هر یک از ما در محیطی چشم به جهان گشوده ایم و از ابتدا با ارزش ها، باورها، هنجارها و نگرش های گوناگون عجین گشته ایم. نظام ارزشی ما دارای ثبات نسبی بوده و ما را به خود پایبند کرده اند. با توجه به این که دیگران نیز دارای نظام ارزشی و عقیدتی خاص خود بوده و به آن پایبند هستند و با آن خو گرفته اند شناخت واقعی نظامهای ارزشی ضرورت پیدا می کند. عدم توجه به ارزش های دیگران و و احترام نگذاشتن به باورها و اعتقادات آنان زمینه سوء ارتباط در دانشگاه را فراهم کرده است.

26- اقتباس فرهنگی: منظور از اقتباس فرهنگی رفتارها و نگرش هایی است که پذیرش جنبه هایی از فرهنگ را به منظور پاسخگویی به نیازهای خاص جامعه مجاز می داند. در اینجا لازم است متذکر شویم که بین اقتباس فرهنگی و جذب و ترکیب فرهنگی تفاوت وجود دارد. اقتباس فرهنگی به افراد و جوامع این امکان را می دهد که ضمن حفظ ارزش های سنتی خویش جنبه هایی از فرهنگ دیگران را که برای تحقق نیازهای فردی و جمعی آنان ضروری است بپذیرند. در ایران به جای پدیده اقتباس فرهنگی پدیده جذب فرهنگی اتفاق افتاده است.

27- تاکید بر ارزش های این جهانی: جامعه ایرانی از مصرف گرایی در رنج است و دانشگاه این روحیه را تقویت و ترویج نموده است. اغلب دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی دارای انگیزه کسب موفقیت بوده انتظارات روز افزونی دارند و به همین دلیل برای رفاه مادی خویش بسیار تلاش می کنند و می کوشند تا از دیگران به هر روش ممکن پیشی گیرند.

28- رواج روحیه تقدیر گرایی: انتظار برای آینده بدون هیچ گونه سعی و تلاش و واگذاری امور به سر منشأ غیبی از آسیب های وارد بر آموزش کشور است.

29- وجود اقتدار سلسله مراتبی در ساختار های دانشگاهی کشور.

30- تبعیت قوانین و مقررات از شخصیت ها.

31- اولویت رابطه بر ضابطه.

32- بی ثباتی، شک و دودلی در تصمیم گیری.

33- وجود سیستم پدر سالاری در رهبری.

34- خویشاوند گرایی در سطوح بالای سازمانی. (افروغ، 1384)

بررسی های تطبیقی نشان می دهد که دست اندر کاران آموزشی برای فائق آمدن در چنین شرایط پیچیده و نابسامانی تلاش می کنند از طریق ساخت یک مدل یا چارچوب ذهنی نظام یافته و راهبردی دنیایی را که در آن قرار دارند و عمل می کنند، به درستی درک کرده و مولفه های مورد نیاز تغییر آن را به خوبی شناسایی نمایند. در این میان باز تعریف رسالت، ماموریت، شیوه های آموزشی، برنامه درسی، مهارت آموزی و ... از جمله مولفه های مهم تلقی می گردند. واحدهای دانشگاه پژوهی (OIR) رسالت نیاز سنجی، هماهنگی، هدایت پژوهشهای دانشگاهی و تصمیم سازی به منظور شناسایی مؤلفه های نیازمند تغییر را در دانشگاهها بر عهده دارند. (نعمتی، 1385، ص 31)

در راستای شناسایی زمینه های مورد نیاز تغییر، پژوهش حاضر با کنکاشی در بین متون مربوط به موضوع به بررسی مؤلفه های اصلی دانشگاه قرن بیست یک پرداخته و در صدد است تا با استناد به مؤلفه های شناسایی شده به تدوین چارچوبی برای دانشگاههای ایران پردازد.

هدف کلی پژوهش:

شناسایی ویژگیهای مهم دانشگاههای هزاره سوم به منظور ارایه چارچوبی مناسب برای دانشگاههای ایران در راستای حرکت از دانشگاههای سنتی به دانشگاههای نوین.

اهداف جزئی:

شناسایی ویژگیهای مهم دانشگاههای هزاره سوم.

ارائه چارچوب مناسب برای دانشگاههای ایران در راستای حرکت از دانشگاههای سنتی به دانشگاههای نوین.

سوالات پژوهش:

1- ویژگیهای مهم دانشگاههای هزاره سوم چیست؟

2- چه چارچوب مناسبی را می توان در راستای حرکت از دانشگاههای سنتی به دانشگاههای نوین در

ایران ارایه کرد؟

روش پژوهش، جامعه آماری و ابزار پژوهش: روش این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی، جامعه آماری کلیه اساتید دانشگاه‌های اصفهان، صنعتی اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان می باشد. نمونه این پژوهش را 200 نفر از اعضای هیئت علمی تمام وقت این دانشگاهها تشکیل داده اند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته با اعتبار الفای کرونباخ 0/962 می باشد.

پاسخ به سوالات پژوهش

سوال اول پژوهش: ویژگیهای مهم دانشگاههای هزاره سوم چیست؟ بررسی ادبیات و متون موجود در زمینه ویژگیهای دانشگاههای هزاره سوم منتج به شناسایی شش مؤلفه اصلی و تعداد 83 زیر مؤلفه گردید که به شرح زیر می باشد:

مؤلفه اصلی اول - سیستم آموزشی با زیر مؤلفه های:

دانش گرایی - پرورش تفکر تحلیلی - تاسیس موزه های علم و فن آوری - پرورش روحیه شک سازمان یافته - همگانی کردن علم - پژوهش گرایی - باز شناسایی سنتها و مواریت - سازماندهی گرایشات متعارض - بومی ساختن علم - پذیرش تنوع در نگرشها - ساختار ماتریسی

مؤلفه اصلی دوم - رهبری دانشگاهی با زیر مؤلفه های:

جهان محوری - مخاطره پذیری و اهل ریسک - آگاهی از چشم اندازهای آینده سازمانی و داشتن چشم اندازهای چند گانه - هوش رهبری - خود کنترلی - تقدم منافع گروهی بر منافع فردی - مدیریت بحران - توانایی استفاده از سیستمهای MIS - صلاحیت معنوی - آینده پژوهی - مهارت در ایجاد قابلیتهای رقابتی - مهارت حل مساله - تعامل موثر با دیگران - ترغیب دیگران به رعایت ارزشهای اساسی - آشنایی با شیوه های مدیریت فراملیتی و جهانی - مهارت اعمال مدیریت تغییر - نگرش سیستمی - هم افزایی - امانت دار و راز دار کارکنان - مدیریت زمان - مسئولیت پذیری

مؤلفه اصلی سوم - اعضای هیئت علمی با زیر مؤلفه های:

سواد اطلاعاتی - توانایی کار در محیط مجازی - توانایی کار با شبکه - کسب هویت حرفه ای - داشتن وجدان کاری - داشتن اخلاق کاری - دانش روابط میان فردی - دانش روابط درون فردی - توانایی

تولید ایده ها و اندیشه های نو- مهارت‌های نفوذ و قانع سازی- دانش تسهیل گری- تدریس تیمی- مهارت کنترل اجتماعی

مؤلفه اصلی چهارم - مشتری (دانشجو) با زیر مؤلفه های:

آموزش یادگیری خلاقانه- آموزش تفکر نقادانه- تسلط بر فن آوری های نوین- تاکید بر پژوهش مداری- تاکید بر یادگیری مادام العمر- تاکید بر ارزشهای جمعی - نهادینه کردن و درونی نمودن ارزشها- پرورش قدرت پذیرش نقشهای جدید - پرورش روحیه اعتماد به نفس- تغذیه روحی و معنوی- نهادینه کردن عقلانیت در تمام امور- توانایی تصمیم گیری مناسب- آگاهی از مسائل جهانی

مؤلفه اصلی پنجم - برنامه درسی با زیر مؤلفه های:

طرح ایده های نو در تدریس و یادگیری- پرورش انواع هوش- پرورش شهروند حرفه ای- پرورش قوه نقد منصفانه- تغییر شیوه های ارزیابی از کمی به کیفی- استفاده از ایده های جدید- حرکت از حافظه سطحی به حافظه فضایی- طراحی محصولات فرهنگی- پرهیزی از ارائه محتوای متناسب با سلیق شخصی- پرورش مهارت‌های تحقیقاتی- شبکه سازی دانش- تهیه بسته های آموزشی متنوع- تعاملات پویا و مولتی مدیا- آموزش همزمان و غیر همزمان- تدوین محتوا با تاکید بر سه بعد شناخت، انگیزش و رفتار- تاکید بر محتوای معرفت شناختی

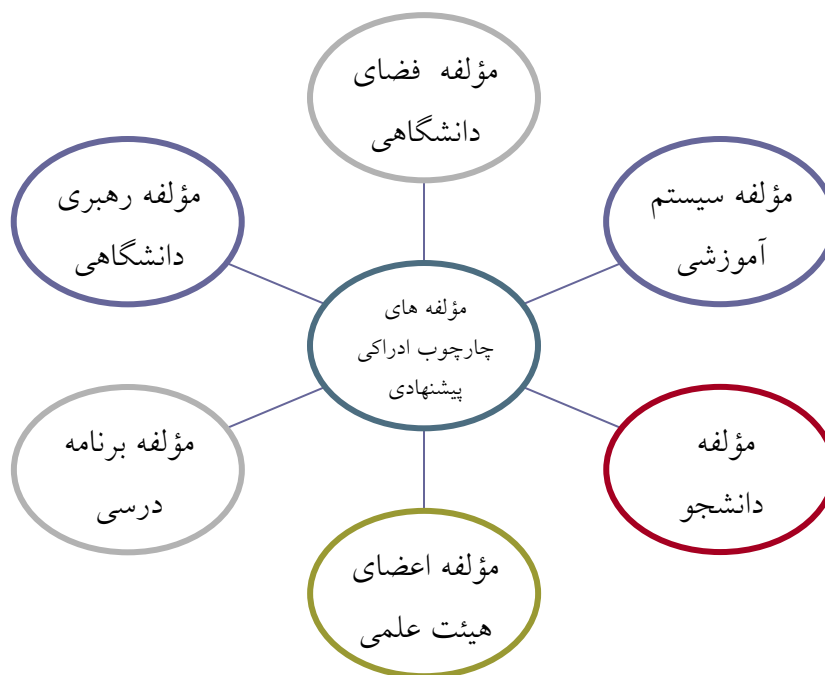
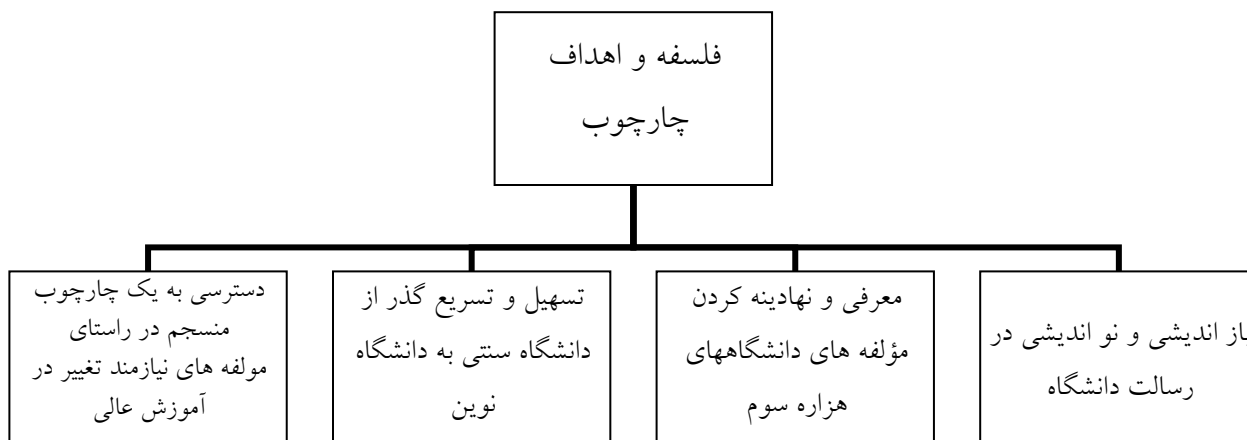
مؤلفه اصلی ششم - فضای دانشگاهی با زیر مؤلفه های:

پیام رسانی در قالب های هنری مانند نشریات- نمایش- داستان و...- جذاب کردن محیط زیست دانشجویی- بهسازی فضای دانشگاهی- تجهیز فضا به فن آوری روز- توجه به عوامل نمادی- طراحی محیط یادگیری مجازی- ایجاد فضایی زنده و شاداب- اختصاص فضا به فعالیتهای فوق برنامه- توجه به معماری محیط

سوال دوم پژوهش: چه چارچوب مناسبی را می توان در راستای حرکت از دانشگاههای سنتی به

دانشگاههای نوین در ایران ارائه کرد؟ به منظور ارائه چارچوبی مناسب پژوهشگر به تدوین چارچوبی متشکل از دو بخش اصلی پرداخته است. بخش اول چارچوب شامل فلسفه و اهداف چارچوب با

چهار زیر مؤلفه و بخش دوم شامل چارچوب ادراکی با مؤلفه های اصلی و فرعی شناسایی شده در سوال اول پژوهش می باشد. فلسفه و اهداف و چارچوب ادراکی پیشنهادی به شرح زیر می باشد:



نتایج حاصل از تحلیل عامل بر دو قسمت چارچوب یعنی بخش فلسفه و اهداف و چارچوب ادراکی به شرح زیر می باشد:

جدول شماره یک- تحلیل عوامل فلسفه و اهداف چارچوب

ردیف	مؤلفه ها	اندازه KMO	بار عاملی
1	باز اندیشی و نو اندیشی در رسالت دانشگاه	0/783	0/754
2	معرفی و نهادینه کردن مؤلفه های دانشگاههای هزاره سوم		0/627
3	تسهیل و تسریع گذر از دانشگاه سنتی به دانشگاه نوین		0/732
4	دسترسی به یک چارچوب منسجم در راستای مؤلفه های نیازمند تغییر در آموزش عالی		0/679

براساس یافته های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه فلسفه و اهداف مربوط به "باز اندیشی و نو اندیشی در رسالت دانشگاه با بار عاملی 0/754 و کمترین مربوط به "معرفی و نهادینه کردن مؤلفه های دانشگاههای هزاره سوم" با بار عاملی 0/627 بوده است. مقدار (KMO) در باب کفایت نمونه گیری برابر با 0/783 بوده که مقدار بالا و قابل قبولی است. همچنین بارهای عاملی هر یک از زیر مؤلفه ها بر روی عامل کلی فلسفه و اهداف چارچوب پیشنهادی همه بالاتر از 0/6 می باشد.

جدول شماره یک : ماتریس بارهای عاملی چرخش داده شده بر عوامل استخراجی چارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه سیستم آموزشی)

ردیف	مؤلفه ها	اندازه KMO	بار عاملی
------	----------	------------	-----------

0/635	0/894	دانش گرایی	1
0/752		پرورش تفکر تحلیلی	2
0/707		تاسیس موزه های علم و فن آوری	3
0/757		پرورش روحیه شک سازمان یافته	4
0/727		همگانی کردن علم	5
0/750		پژوهش گرایی	6
0/730		باز شناسایی سنتها و مواریث	7
0/650		سازماندهی گرایشات متعارض	8
0/798		بومی ساختن علم	9
0/546		پذیرش تنوع در نگرشها	10
0/721		ساختار ماتریسی	11

براساس یافته های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول یعنی سیستم آموزشی مربوط به “ بومی ساختن علم” با بار عاملی 0/798 و کمترین مربوط به “ پذیرش تنوع در نگرشها ” با بار عاملی 0/ 546 بوده است. مقدار (KMO) در باب کفایت نمونه گیری برابر با 0/894 بوده که مقدار بالا و قابل قبولی است. همچنین بارهای عاملی هر یک از زیر مولفه ها بر روی عامل کلی فلسفه و اهداف چارچوب پیشنهادی همه بالاتر از 0/5 می باشد.

جدول شماره دو : ماتریس بارهای عاملی چرخش داده شده بر عوامل استخراجی چارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه رهبری دانشگاهی)

ردیف	مؤلفه ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم
12	جهان محوری	0/579	-	-
13	مخاطره پذیری و اهل ریسک	0/502	-	-

14	آگاهی از چشم اندازهای آینده سازمانی	0/508	-	-
15	هوش رهبری	-	0/428	-
16	خود کنترلی	-	-	0/410
17	تقدم منافع گروهی بر منافع فردی	-	-	0/613
18	مدیریت بحران	0/611	-	-
19	توانایی استفاده از سیستمهای MIS	0/715	-	-
20	صلاحیت معنوی	-	-	0/896
21	آینده پژوهی	0/603	-	-
22	مهارت در ایجاد قابلیت‌های رقابتی	0/721	-	-
23	مهارت حل مساله	-	0/595	-
24	تعامل موثر با دیگران	-	0/723	-
25	ترغیب دیگران به رعایت ارزشهای اساسی	-	0/611	-
26	آشنایی با شیوه های مدیریت فراملیتی و جهانی	0/792	-	-
27	امانت دار و راز دار کارکنان	-	-	0/793
28	مدیریت زمان	-	0/695	-
29	مسئولیت پذیری	-	0/792	-
30	مهارت اعمال مدیریت تغییر	0/653	-	-
31	نگرش سیستمی	0/764	-	-
32	هم افزایی	0/796	-	-

نتایج تحلیل عوامل بر اساس آزمون اسکری نشان داد که حداکثر سه عامل از ماده های مؤلفه دوم یعنی رهبر دانشگاهی قابل استخراج است. بدین معنی که فقط حاصل جمع مجذور مقادیر ضرایب عاملی سه عامل دارای مقدار یک بوده است. مقدار kmo برابر با 0/84 نشان دهنده کفایت نمونه گیری بوده است. براساس یافته های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول مربوط به "هم افزایی" با بار عاملی 0/796 و کمترین مربوط به "مخاطره پذیری و اهل ریسک" با بار عاملی 0/502 و در مؤلفه دوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به "مسئولیت پذیری" با بار عاملی 0/792 و کمترین

مربوط به “ هوش رهبری ” با بار عاملی 0/428 و در مؤلفه سوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به “ صلاحیت معنوی ” با بار عاملی 0/896 و کمترین مربوط به “خود کنترلی” با بار عاملی 0/410 بوده است. همچنین بارهای عاملی هر یک از زیر مؤلفه ها بر روی عامل اول پیشنهادی همه بالاتر از 0/5 می باشد.

جدول شماره سه: ماتریس بارهای عاملی چرخش داده شده بر عوامل استخراجی چارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه هیئت علمی)

ردیف	مؤلفه ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم
3 3	سواد اطلاعاتی	0/795	-	-
3 4	توانایی کار در محیط مجازی	0/723	-	-
3 5	توانایی کار با شبکه	0/695	-	-
3 6	کسب هویت حرفه ای	-	0/432	-
3 7	داشتن وجدان کاری	-	0/789	-
3 8	داشتن اخلاق کاری	-	0/754	-
3 9	دانش روابط میان فردی	-	-	0/523
4 0	دانش روابط درون فردی	-	-	0/798
4 1	توانایی تولید ایده ها و اندیشه های نو	-	0/632	-
4 2	مهارت های نفوذ و قانع سازی	-	-	0/695
4 3	دانش تسهیل گری	-	0/721	-

4	تدریس تیمی	-	0/693	-
4				
4	مهارت کنترل اجتماعی	-	-	0/712
5				

نتایج تحلیل عوامل بر اساس آزمون اسکری نشان داد که حداکثر سه عامل از ماده های مؤلفه سوم یعنی اعضای هیئت علمی قابل استخراج است. بدین معنی که فقط حاصل جمع مجذور مقادیر ضرایب عاملی سه عامل دارای مقدار یک بوده است. مقدار kmo برابر با 0/91 نشان دهنده کفایت نمونه گیری بوده است. براساس یافته های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول مربوط به “ سواد اطلاعاتی ” با بار عاملی 0/795 و کمترین مربوط به “ توانایی کار با شبکه ” با بار عاملی 0/695 و در مؤلفه دوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به “ داشتن وجدان کاری ” با بار عاملی 0/789 و کمترین مربوط به کسب هویت حرفه ای ” با بار عاملی 0/432 بوده است. بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه سوم مربوط به “ دانش روابط درون فردی ” با بار عاملی 0/798 و کمترین مربوط به “ دانش روابط میان فردی ” با بار عاملی 0/523 بوده است. همچنین بارهای عاملی هر یک از زیر مؤلفه ها بر روی عامل سوم چارچوب پیشنهادی همه بالاتر از 0/5 می باشد.

جدول شماره چهار: ماتریس بارهای عاملی چرخش داده شده بر عوامل استخراجی چارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه دانشجوی)

ردیف	مؤلفه ها	عامل اول	عامل دوم
47	آموزش یادگیری خلاقانه	0/795	-
48	آموزش تفکر نقادانه	0/712	-
49	تسلط بر فن آوریهای نوین	0/754	-
50	تاکید بر پژوهش مداری	0/612	-
51	تاکید بر یادگیری مادام العمر	0/711	-

0/595	-	تاکید بر ارزشهای جمعی	52
0/711	-	نهادینه کردن و درونی نمودن ارزشها	53
0/775	-	پرورش قدرت پذیرش نقشهای جدید	54
0/773	-	پرورش روحیه اعتماد به نفس	55
0/818	-	تغذیه روحی و معنوی	56
0/710	-	نهادینه کردن عقلانیت	57
0/691	-	توانایی تصمیم گیری مناسب	58
0/843	-	درک فرهنگ ملی	59
0/773	-	آگاهی از مسائل جهانی	60

نتایج تحلیل عوامل بر اساس آزمون اسکری نشان داد که حداکثر دو عامل از ماده های مؤلفه چهارم یعنی دانشجو قابل استخراج است. بدین معنی که فقط حاصل جمع مجذور مقادیر ضرایب عاملی دو عامل دارای مقدار یک بوده است. مقدار kmo برابر با 0/91 نشان دهنده کفایت نمونه گیری بوده است. براساس یافته های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول مربوط به "آموزش یادگیری خلاقانه" با بار عاملی 0/795 و کمترین مربوط به "تاکید بر پژوهش مداری" با بار عاملی 0/612 و در مؤلفه دوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به "درک فرهنگ ملی" با بار عاملی 0/843 و کمترین مربوط به "تاکید بر ارزشهای جمعی" با بار عاملی 0/595 بوده است..

جدول شماره پنج: ماتریس بارهای عاملی چرخش داده شده بر عوامل استخراجی چارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه برنامه درسی)

مؤلفه ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم
طرح ایده های نو در تدریس و یادگیری	0/595	-	-
پرورش انواع هوش	0/505	-	-

				2
-	-	0/509	پرورش شهروند حرفه ای	6 3
-	-	0/613	پرورش قوه نقد منصفانه	6 4
-	0/559	-	تغییر شیوه های ارزیابی از کمی به کیفی	6 5
-	0/723	-	استفاده از ایده های جدید	6 6
-	0/685	-	حرکت از حافظه سطحی به حافظه فضایی	6 7
0/421	-	-	طراحی محصولات فرهنگی	6 8
0/720	-	-	پرهیزی از ارائه محتوای متناسب با سلیقه شخصی	6 9
-	-	0/764	پرورش مهارتهای تحقیقاتی	7 0
-	0	0/752	نهادینه کردن عقلانیت	7 1
-	-	0/712	شبکه سازی دانش	7 2
-	0/824	-	تهیه بسته های آموزش متنوع	7 3
-	0/818	-	تعاملات پویا و مولتی مدیا	7 4
-	0/564	-	آموزش همزمان و غیر همزمان	7 5
0/559	-	-	تدوین محتوا با تاکید بر سه بعد شناخت انگیزش و رفتار	7 6
0/613	-	-	تاکید بر محتوای معرفت شناختی	7 7

نتایج تحلیل عوامل بر اساس آزمون اسکری نشان داد که حداکثر سه عامل از ماده های مؤلفه پنجم قابل استخراج است. بدین معنی که فقط حاصل جمع مجذور مقادیر ضرایب عاملی سه عامل دارای مقدار یک بوده است. مقدار kmo برابر با 0/91 نشان دهنده کفایت نمونه گیری بوده است. براساس یافته های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول مربوط به “ پرورش مهارت های تحقیقاتی ” با بار عاملی 0/764 و کمترین مربوط به “ پرورش انواع هوش ” با بار عاملی 0/505 و در مؤلفه دوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به “ تهیه بسته های آموزش متنوع ” با بار عاملی 0/824 و کمترین مربوط به “ تغییر شیوه های ارزیابی از کمی به کیفی ” با بار عاملی 0/559 بوده است. بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه سوم مربوط به پرهیزی از ارائه محتوای متناسب با سلاقی شخصی ” با بار عاملی 0/720 و کمترین مربوط به “ طراحی محصولات فرهنگی ” با بار عاملی 0/421 بوده است.

جدول شماره شش: ماتریس بارهای عاملی چرخش داده شده بر عوامل استخراجی چارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه فضا)

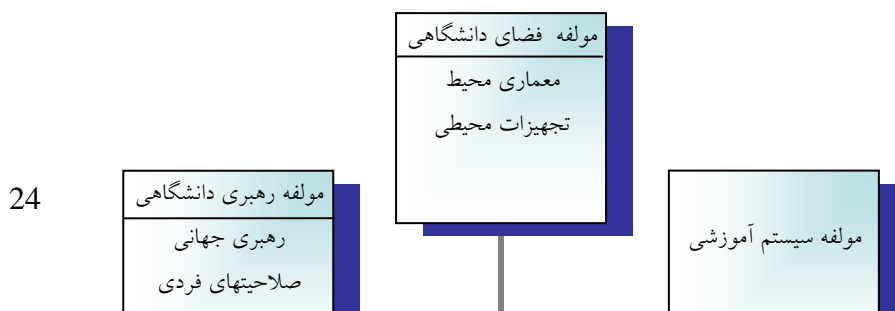
ردیف	مؤلفه ها	عامل اول	عامل دوم
78	پیام رسانی در قالب های هنری مانند نشریات- نمایش و...	-	0/818
79	جذاب کردن محیط زیست دانشجویی	0/635	-
80	بهسازی فضای دانشگاه	0/797	-
81	تجهیز فضا به فن آوری روز	-	0/795
82	توجه به عوامل نمادی	0/813	-
83	طراحی محیط یادگیری مجازی	-	0/635
84	ایجاد فضای زنده	0/712	-
85	تجهیز فضا به فعالیتهای فوق برنامه	0/753	-
86	معماری محیط	0/731	-

نتایج تحلیل عوامل بر اساس آزمون اسکری نشان داد که حداکثر دو عامل از ماده های مولفه ششم یعنی فضا قابل استخراج است. بدین معنی که فقط حاصل جمع مجذور مقادیر ضرایب عاملی دو عامل دارای مقدار یک بوده است. مقدار kmo برابر با 0/91 نشان دهنده کفایت نمونه گیری بوده است. براساس یافته های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول مربوط به “ توجه به عوامل نمادی ” با بار عاملی 0/813 و کمترین مربوط به “ جذاب کردن محیط زیست دانشجویی با بار عاملی 0/635 و در مؤلفه دوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به “ پیام رسانی در قالب های هنری مانند نشریات- نمایش- داستان ” با بار عاملی 0/818 و کمترین مربوط به “ طراحی محیط یادگیری مجازی با بار عاملی 0/635 بوده است.

جمع بندی یافته ها

بررسی ادبیات پژوهش راجع به سوال اول یعنی ویژگیهای مهم دانشگاههای هزاره سوم چیست؟ منتج به شناسایی مهمترین مؤلفه های اصلی و فرعی گردید. توجه به این ویژگیها می تواند موجبات همراستایی دانشگاههای ایرانی با دانشگاههای هزاره سوم را فراهم آورد. (مؤلفه های اصلی و فرعی شناسایی شده ذیل سوال اول پژوهش آورده شده است).

در ارتباط با سوال دوم پژوهش یعنی چه چارچوب مناسبی را می توان در راستای حرکت از دانشگاههای سنتی به دانشگاههای نوین در ایران ارایه کرد؟ پژوهشگر به مدد بررسیهای انجام شده به ارائه چارچوب پیشنهادی در این رابطه پرداخته است. چارچوب پیشنهادی از دو بخش فلسفه و اهداف و چهارچوب ادراکی تشکیل گردیده است. (بخش فلسفه و اهداف چهارچوب با چهار زیر مؤلفه و بخش چهارچوب نظری با شش مؤلفه اصلی و هشتاد سه زیر مؤلفه). در تحلیل عامل انجام شده در بخش فلسفه و اهداف بارهای عاملی هر یک از زیر مؤلفه های بخش فلسفه و اهداف همه بالاتر از 0/6 به دست آمد. در بخش چارچوب ادراکی پس از تحلیل عامل تحلیل، چارچوب پیشنهادی تغییر یافت و بنابر این چهارچوب نهایی به شکل زیر ترسیم شد:



تفسیر یافته ها

با توجه به این که دنیای فردا دنیای سازمانهای پسا مدرن است، امکان دارد اشکال غالب سازمانهای امروزی همچون بوروکراسی هایی که امروزه به شکل حیرت آوری در تار و پود زندگی سازمانی ما ریشه دوانیده است و زندگی سازمانی بدون آنها غیر قابل تصور به نظر می رسد، پاسخگوی نیازهای جامعه نباشد. امروزه مفاهیمی چون سازمان، مدیریت، رهبری و فرایندهای مرتبط با آنها به شدت در حال تغییراند. ما وارد دنیای فرا نوین شده ایم. دنیایی که در آن مفاهیم رو بنایی سازمان مانند اشکال ساختاری، تئوری های سنتی، روشهای سنتی اداره سازمان و ... کاربرد خود را از دست داده و تحولات عظیمی در بنیان های تئوریک سازمان اتفاق افتاده است. مسائلی چون ظهور نسل دیجیتال، افزایش انتظارات از آموزش عالی، شکاف بین انتظارات و آرمانها و ... این ضرورت را اجتناب ناپذیر ساخته که مدیریت و رهبری دانشگاهی باید با لنز دیگری به انسان، جامعه و جهان بنگرد و جهت تبدیل دارایی های انسانی به دارایی های استراتژیک شیوه های نوین دیگری را بر گزیند. بدیهی است دگرگونی واقعی در جامعه و تحقق توسعه پایدار از طریق دگرگونی در اندیشه ها و باورها رخ خواهد

داد و مقر این دگرگونی آموزش عالی و آموزش و پرورش است. لذا مدارس و دانشگاه ها به عنوان معماران تحول در جامعه زمانی می توانند این مهم را به انجام برسانند که با درک فرا پیچیدگی ها، به چالش کشیدن کهنه اندیشی ها و خانه تکانی اندیشه های سنتی، با چالش ها مواجه شوند و هدایت عالمانه و هوشمندانه نظام آموزشی را در دستور کار خویش قرار دهند. تحقق امر فوق مستلزم، کار بست مبانی مدرن رهبری، اندیشیدن درباره اندیشه ها، خود آغاز گری، اشتراک دانش، ناب سازی اندیشه ها و به طور کلی رویکردهای نوین رهبری است.

بهره وری، کارایی، توانایی رقابت و نوآوری، تربیت نیروی انسانی دانش مدار و ... در سازمان هایی که رویکرد ها و شیوه های نو و متناسب با هزاره سوم را در رهبری سازمانی مد نظر قرار داده اند، شاهدی بر این مدعا است که سازمان ها و از جمله دانشگاه ها در صورت غفلت از این مهم دیر یا زود به سمت زوال و نابودی حرکت خواهند کرد. چرا که دانش در دنیای پیشرفته امروز به سرعت در حال تبدیل شدن به مزیت رقابت اصلی است و می تواند برای سازمان هایی که بخوبی آن را می شناسند و مدیریت می کنند فرصت و در عین حال برای سازمان هایی که تحولات محیطی و سبکهای جدید رهبری را نمی شناسند، به عنوان تهدیدی جدی قلمداد شود. دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی از طریق استقرار سبک های جدید رهبری علاوه بر آن که می توانند شاهد ارتقای کیفیت نیروی انسانی خود باشند (کارکنان و دانشجویان) بلکه می توانند مبدل به دانشگاه های پیشرو گردند .

رهبران آموزشی عصر حاضر به رغم وضعیت پیچیده و نابسامانی که امروزه بر کانونهای تصمیم گیری آموزشی کشور حاکم شده است، برای این که قادر باشند نظام آموزشی را راهبری کنند با چالش ها و تحولات بیشماری مواجه اند. بررسی تطبیقی نشان داده است که رهبران آموزشی اثر بخش برای فائق آمدن بر چنین شرایط پیچیده نابسامانی تلاش می کنند از طریق ساخت یک مدل یا چارچوب ذهنی نظام یافته و راهبردی، دنیایی را که در آن قرار دارند و عمل می کنند به درستی درک کنند . به عبارت دیگر مدیران و رهبران آموزشی عصر کنونی ناگزیر هستند الزامات فعالیت در عصر حاضر را که دارای ویژگی هایی چون خلاقیت، بحران، آشوب، ریسک پذیری و ... است را رعایت کرده، به باز تعریف رسالت و مأموریت خود بپردازند . نتیجه این باز تعریف، آنها را به سمت و سوی

سبکهای جدیدی از رهبری رهنمون خواهد ساخت. آنچه تا به حال متخصصان آموزش عالی جهان پیرامون تحلیل چشم انداز های دانشگاه در قرن بیست و یکم بدست داده اند بیانگر قطعیت گذر از دانشگاه سنتی و ورود به نظام متمایز از ساختار و محتوا و رهبری دانشگاه هاست. تنها راه موثر برای مواجهه با عدم اطمینان و پیچیدگی قرن حاضر، نیز تحول و بهبود مستمر است. لذا رهبران دانشگاهی مجبور هستند تا برای جلوگیری از مشکلات دست به تغییر سبک و رویه و رفتار موجود سازمانی بزنند و این مهم به خصوص با شرایط خاص بین المللی، منطقه ای و کشوری امروز و مسأله تقابل فرهنگی بیشتر خود نمایی می کند. از طرف دیگر دانشگاه قرن بیستم و یکم با چالش های دیگری نظیر کنترل کیفیت و مناسبت همکاری های بین المللی، عدالت آموزشی و مسائلی از این دست روبروست و دانشگاه های ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بر اساس گزارش ارائه شده توسط موسسه تایمز در بین دانشگاه های برتر جهان در سال (2006) نامی از هیچ یک از دانشگاه های ایرانی دیده نمی شود. چنین به نظر می رسد که ایران هنوز نتوانسته امتیازات شاخص های رتبه بندی دانشگاه های برتر جهان را احراز نماید و به رقابت با دانشگاه های موفق در عرصه های بین المللی پردازد. این نکته ما را به این اصل رهنمون می شود که تغییر در وضعیت دانشگاه ها و حرکت به سمت و سوی معیارهای جهانی نیاز به فرایندهای تغییر اثر بخش دارد. تغییراتی که ضمن آنکه ارزشهای اسلامی - ایرانی را پاس می دارد در بازار بی کنترل جهانی رقابت و تولید داشته باشد.

منابع

- 1- افروغ، عماد. (1386)، نگرشی به چهار چوب نظری و آسیب شناسی دانشگاه، هفته نامه پگاه حوزه، شماره 96.
- 2- آهنجیان، محمدرضا. (1382) آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن، تهران نشر طهوری.
- 3- ایرانزاده، سلیمان. (1381)، مدیریت تطبیقی در چارچوب پارادایمهای جدید. تبریز، مرکز آموزش مدیریت دولتی تبریز، چاپ اول
- 4- ذوالفقاری، رشید (1385)، آینده پژوهی در نظام آموزش عالی، چکیده مقالات همایش چالشهای فرا روی مدیریت در نظامهای آموزشی، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق.
- 5- شاه طالبی، بدری. (1387) بررسی مؤلفه های رهبری مبتنی بر ارزشها به منظور ارائه چارچوبی مناسب در دانشگاه آزاد اسلامی، پایان نامه دکتری.

- 6- لیوتار، ژان فرانسوا. (1381). وضعیت پست مدرن. ترجمه حسین علی نوذری، تهران، انتشارات نقش جهان.
- 7- نعمتی، محمد علی، (1378)، دانشگاه پژوهی، چکیده مقالات همایش چالشهای فرا روی مدیریت در نظامهای آموزشی، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق.

- 1- Abraham. (2002). *On modern universities*. Hangzhou: zhejiang education press.
- 2- Ball, C. (1996). *A learning society :A vision and plan to change the learning culture of the society for the encouragement of Arts, manufacturing & commerce*. London
- 3- Barbara, A. (2007). *Scholarship and Mission in the center university* available at [www. Ouga.edu.au](http://www.Ouga.edu.au)
- 4- Center for higher Education development , (2006). *Study and research in Germany university Rankings . from www. Daad .de/dues chland/stadium*
- 5- Changgui, cheng. (2001). *International Cooperation :Important choice for building top universities world wide* Tsinghua university education study.
- 6- Cohen, A. (1999). *communitarians social construction, and autonomy*
- 7- Elliot, C & Reynolds, M. (2000). *The critical movement management and manager- education relations*. CMS Conferrance
- 8- Engholm, P. (2002). *The controversy between modernist and post modernist views of management science*. Monash University
- 9- Fallis, George. (2004). *The mission of the university department of Economics and Division of social science York university Toronto Canada*
- 10- Hopkins, Gary (2002). *Curriculum/Training: teaching citizenships five them www.education world*
- 11- jiaer, Chen. (1998). *Mission and function of information society. universities in 21 century- 100 Anniversary of Peking university . Peking university Press*
- 12- Lambert, Mike. (2007). *21 century learners- and their approaches to learning* available at ulti Base Article.
- 13- Marginson , Simon. (2007) *university Mission and identity for a post post public era higher education Research & development . university of Melbourne Australia*

14-Mowery, David ,C.(2001). *The changing Role of universities in the 21 century U.S R&d System*

15- Watts,Ronald.(1996). *The 21 century university Canberra.*

16-Zhiyun, Liu.(2008).*Mission of Modern Universities and Development of Modern society.* Us- china education Review,USA